

پیدایش شعر آزاد عربی و ویژگی‌های آن

دکتر علی پیرانی شال^۱

استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران

(از ص ۵۱ تا ص ۶۲)

تاریخ دریافت مقاله ۱۳۸۹/۰۸/۱۷، پذیرش ۱۳۹۰/۰۷/۱۵

چکیده:

شعر آزاد به عنوان راهکاری نوین برای به تصویر کشیدن احساسات شعرا از اهمیت به سزایی برخوردار است. میان ناقدان، اختلاف دیدگاه فراوانی درباره تاریخ دقیق پیدایش آن و عیب‌ها و برتری‌های آن در مقایسه با شعر سنتی وجود دارد. برخی عقیده دارند شعر آزاد زبان عربی ریشه در موشح - نوعی شعر عامیانه که در آندلس پیدا شد - دارد. عده‌ای دیگر معتقدند ریشه شعر آزاد به «بند» - اگرچه پیدایش دقیق بند نیز مشخص نیست - می‌رسد، چون شاعر هم در بند و هم در شعر آزاد اختیار دارد که تفعیله‌های شعر را برحسب مفهوم مورد نظر خویش کم و زیاد کند. دسته سوم ناقدان بر این عقیده‌اند که شاعران مهجر منادی تغییر و تحول در شعر عرب از لحاظ مفهوم و وزن و بحرهای عروضی می‌باشند. به هر حال همه تلاش‌ها به شعر مشهور «الکولیرا» خانم دکتر نازک الملائکه شاعره معاصر عراقی و یا قصیده «هل كان حُبّاً» دیگر شاعر معاصر عراقی یعنی بدر شاکر السیاب منتهی می‌شود و این دو به عنوان پیشگامان شعر آزاد عربی مطرح می‌شوند، برخی نازک الملائکه را به عنوان نخستین پیشگام و دسته‌ای دیگر بدر را اولین سراینده شعر آزاد عربی به شمار می‌آورند. از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر آزاد عربی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: قدرت شاعر در کوتاه و بلندی مصراع‌ها و آزادی خیال، وحدت و هماهنگی ساختمان، شایستگی برای نقل آثار عربی.

واژه‌های کلیدی: ادبیات معاصر عرب، شعر آزاد، شعرا، نوآوری.

۱. نشانی پست الکترونیکی نویسنده: Pirani@tmu.ac.ir

مقدمه

وقتی به تاریخ ادبیات مراجعه می‌کنیم و عرصه‌های ادبی مختلف و جریان‌های ادبی مربوط به دوران‌های گوناگون را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم این نکته برایمان به وضوح آشکار می‌گردد که کوشش برای ایجاد تغییر و تحول در شعر امری است قدیمی، و شعرای دوران‌های پیشین به نوعی برای نوآوری در شعر گام‌هایی برداشته‌اند. محققان، نخستین نشانه‌های نوگرایی در شعر عربی را به شاعران عصر عباسی بر می‌گردانند. ناقدان در آن زمان دو دوره برای شعر عربی قائل بودند: دوران اسلامی که صد سال قبل از اسلام و صد سال بعد از آن را دربر می‌گرفت، و دوره عباسی که حوزه موضوعی شعر در این دوره به دلیل تغییر و تحول علمی و فلسفی و اجتماعی جامعه آن روز گسترش یافت.

گفته شده است که ابوالعتاهیه دوست داشت کارهای شعری وی فراتر از عروض خلیل ابن احمد فراهیدی باشد. بنابراین وقتی از او سؤال می‌شود، چرا از قوانین عروض فراتر رفته است پاسخ می‌دهد: «أنا أكبر من العروض». ابوالفرج اصفهانی با ذکر این مسأله در کتاب مشهور *أغانی*، یادآور می‌گردد که ابوالعتاهیه اشعاری دارد که در قالب عروض عرب نمی‌گنجد (الإصفهانی، ج ۳، ص ۲۵۴). در کتاب *العمده* ابن رشیق القيروانی آمده است که یک بار ابن زبیده از ابونواس پرسید که آیا می‌توانی شعری بسازی بدون قافیه! گفت: «بله» (القيروانی، ج ۱، ص ۱۲۰). و این‌چنین در هر عصری افرادی وجود داشته‌اند که سعی و کوشش نموده‌اند تا حرکتی را برحسب اقتضای زمان در زمینه نوآوری ادبی به ویژه در خصوص شعر آغازکنند و در آن تغییر و تحول به وجود بیاورند.

عصری که ما در آن به سر می‌بریم شاهد دگرگونی عمیقی در همه رشته‌های هنری می‌باشد؛ به ویژه در خصوص شعر که افق‌های تازه‌ای را در برابر دیده هنردوستان گشوده است و از طرف دیگر شعر عربی که قدمت آن به سال‌های قبل از اسلام می‌رسد و همواره چون ستاره‌ای پرفروغ در آسمان ادبیات دنیا درخشیده است باید در برابر خود راه‌های گوناگونی را برای به نظم کشیدن عواطف و افکار شاعر داشته باشد.

در این مقاله سعی ما بر این است تا شعر آزاد را از نظر تاریخچه پیدایش و اهمیت سبک و امتیازات آن مورد بررسی قرار دهیم.

تاریخچه پیدایش شعر آزاد

ناقدان و مورخان درباره تاریخچه پیدایش شعر آزاد در زبان عربی با یکدیگر اختلاف دیدگاه بسیار دارند. ما بر آن هستیم که به برخی از مهم‌ترین این دیدگاه‌ها اشاره کنیم.

شعر آزاد و موشحات

گروهی از محققان و ناقدان چنین عقیده دارند که شعر آزاد زبان عربی ریشه در موشح دارد. موشح نوعی شعر است که در اندلس پدید آمده، برخی اولین موشح را به ابن المعتز (۲۴۷-۲۹۶ هـ) نسبت می‌دهند و برخی دیگر آن را به مقدم بن معافر الفریری الاندلسی از شاعران امیر عبدالله بن محمد مروانی در قرن سوم هجری نسبت می‌دهند (الخفاجی، ص ۴۰۰). موشح برای اجراء به صورت ترانه سروده می‌شد. بدین سبب موضوعات موشح بیشتر غزل و شراب و نوشخواری و توصیف طبیعت بود. بعدها دایره موضوعات آن گسترش یافت و انواع موضوعات را دربرگرفت. ابن سناءالملک متوفی به سال ۶۰۸ هـ می‌گوید: موشح بر دو قسم است: یکی آنچه بر وزن اشعار عرب است و قسم دوم موشحی است که با اوزان شعر عرب هماهنگ نیست و اکثر موشحات از این گونه‌اند (الفاخوری، ص ۵۸۶).

موشح‌سرایان در عروض و وزن‌های شعر عرب دخل و تصرفاتی انجام داده‌اند و شکل تازه و جدیدی از شعر را به عالم ادبیات عرضه داشته‌اند؛ ولی در حقیقت موشح با شعر آزاد فرق دارد اگرچه ممکن است شاعران پیشگام در شعر آزاد از موشح الهام گرفته باشند و اهمیت موشح در ارتباط با شعر آزاد نیز به همین جا برمی‌گردد که تغییر و تحول در وزن‌های عرب و عروض عرب فقط نوعی تأثیرپذیری صرف از شاعران غربی نیست.

شعر آزاد و بند

عده‌ای دیگر از ناقدان و مورخان ادبی بر این باورند که شعر آزاد ریشه در «بند» دارد. از جمله نازک الملائکه در کتاب *قضايا الشعر المعاصر* اذعان می‌دارد که بند نزدیک‌ترین شکل شعر عربی به شعر نو می‌باشد. چون در سرودن بند شاعر هیچ‌گاه ملزم نیست که شعر خود را در قالب مصرع‌های مساوی قرار دهد بلکه او می‌تواند طول مصرع‌ها را کوتاه و بلند کند. چه بسا یک سطر شعری دو تفعیله و سطری دیگر سه یا چهار و یا حتی ده تفعیله داشته باشد. یعنی تعداد تفعیلات در یک سطر شعری بستگی به معانی دارد که در ذهن و فکر شاعر هست. بندگرایان برحسب عادت بند را به صورت نثر می‌نگاشتند، بنابراین وقتی در وهله نخست به بند نظر می‌اندازیم چنین می‌پنداریم که یک نثر عادی در پیش‌روی خود داریم. وی در کتاب خود، بند ابن‌الحلفة را به عنوان مثال برای بیان نزدیکی شعر آزاد به این نوع شعر ذکر می‌کند:

أوهل تعلم أم لا إن للحب لذاذات؟

و قد يعذر لا يعذل من فيه غراماً و جوی مات

فذا مذهبُ أرباب کلمات

فدع عنک من اللوم زخاریف المقالات

فکم قد هذب الحب بليداً

فغذا فی مسلک الآداب و الفضل رشیدا... (الملائکه، ص ۱۷۰)

اینکه «بند» به طور دقیق از چه زمانی پیدا شده است مشخص نیست؛ ولی اکثر ناقدان و مورخان عقیده دارند بند سبکی از سبک‌های شعری است که در عصرهای اخیر پیدا شده. در عروض خلیلی و عروض کسانی که بعد از خلیل بن احمد تدوین شده است نامی و اثری از بند به چشم نمی‌خورد. در مقابل گروهی نیز چنین می‌پندارند قدمت بند به سال‌های قدیم می‌رسد و می‌گویند نمونه‌اش در قرآن کریم آمده است و این آیات را به عنوان مثال برای بند ذکر می‌کنند. «و قرأناً فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً» (اسراء/۱۰۶) (شفیعی کدکنی، ص ۵۱۱).

بین بند و شعر آزاد شباهت زیادی وجود دارد؛ چون هم در بند و هم در شعر آزاد اساس شعری بر روی «تفعیله» استوار است؛ یعنی شاعر هم در بند و هم در شعر آزاد این اختیار را دارد که تفعیله‌های شعر را برحسب معانی موردنظر خویش کم یا زیاد کند. به این ترتیب برخی از ابیات شعر نو و بند کوتاه و برخی دیگر بلند است. ولی در شعر آزاد شاعر به راحتی می‌تواند کارش را دنبال کند چون در شعر آزاد شاعر می‌تواند از تمامی بحرهایی که از تکرار یک «تفعیله» به وجود می‌آیند استفاده کند که تعداد این‌گونه بحرهای عربی هشت بحر است؛ در حالی که در هنگام سرودن بند شاعر فقط می‌تواند از یک بحر یعنی بحر هزج بهره بگیرد. به هر حال شباهت بین شعر آزاد و بند تا حدی است که نازک الملائکه می‌گوید:

«برخی از شاعران کم‌تجربه ندانسته آن را با شعر آزاد اشتباه می‌کنند» (الملائکه،

ص ۱۸۱).

شاعران مهجر و شعر آزاد

جمعی از ساکنان کشورهای مختلف عربی به ویژه لبنان و سوریه در اواخر قرن نوزدهم میلادی به قصد فرار از ظلم و تجاوز ترکان عثمانی و یا برای دستیابی به رزق و روزی و یا به هر دو علت از سرزمین خود مهاجرت کردند و روانه ایالات متحده آمریکا و یا کشورهای آمریکای جنوبی شدند. در میان مهاجران جوانانی بودند که به شدت شیفته علم و ادب به ویژه شعر بودند. همین امر موجب شد شعر عربی نه تنها در دیار غربت از بین نرود بلکه برعکس از رونق و درخشش چشمگیری برخوردار باشد. به طوری که می‌توان گفت دیوان اشعار و سایر آثار ادبی بجا مانده از ادبا و شعرايي همچون جبران خلیل جبران، امین ریحانی، میخائیل نعیمه و ایلیا ابوماضی و نسیم عریضه و ... از زیباترین آثار ادبی ادبیات عرب محسوب می‌شود و از قید و بند زیورهای لفظی کامل به دور است (قبش، ص ۲۸۵).

عمر ادبیات مهجر بسیار کوتاه بود، چون وقتی ادباء و شعراء درگذشتند کسی نبود که راهشان را ادامه دهد و از افول ستاره شعر و ادب در سرزمین غربت جلوگیری کند.

ادبا و شعراء مهجر برای شکوفایی شعر و ادب عربی در سرزمین غربت انجمن‌هایی را به وجود آورده بودند. این انجمن‌ها نه تنها در شکوفایی و به بار نشستن شعر و ادب در دیار غربت نقش بسزایی داشته، بلکه به خاطر سردادن ندای نوآوری در شعر و دعوت به دخل و تصرف در وزن‌ها و بحرهای شعری متداول عرب در ظهور شعر آزاد عربی نقش غیرقابل انکاری داشته‌اند. بدین سبب است که برخی از ناقدان شاعران مهجر را پرچمدار شعر آزاد و نخستین سالکان راه آن به حساب می‌آورند. از جمله مهم‌ترین این انجمن‌ها می‌توان به «الرابطة القلمیة» اشاره نمود. این انجمن در سال ۱۹۲۰ میلادی با شرکت ادبا و شعرای هم‌چون جبران خلیل جبران، میخائیل نعیمه و عبدالملیح حداد و... تشکیل شد و نزدیک به یازده سال به حیات خود ادامه داد (جبران، ص ۱۳). بیشتر اعضای «الرابطة القلمیة» به نوعی خواستار نوآوری و تغییر و تحول در شعر بودند و به این دلیل است که در اوزان و بحرهای عروضی دخل و تصرفاتی انجام داده‌اند؛ برای مثال امین ریحانی در مقاله‌ای که در سال ۱۹۱۰م نوشت و بعدها به عنوان مقدمه دیوان وی قرار گرفت، ندای دعوت به شعر بدون وزن و قافیه را سر داده است و اذعان دارد این نوع شعر آخرین مرحله پیشرفت شعری در نزد عرب محسوب می‌شود (الریحانی، ص ۹).

جبران خلیل جبران نیز مانند امین ریحانی بر این باور است که مفهوم شعر نباید منحصر به وزن و قافیه باشد؛ چون قالب‌های آماده شده یعنی همان بحرهای عروضی، قید و زنجیر شعر محسوب می‌شود. به این خاطر است که او می‌گوید: اگر خلیل بن احمد پی می‌برد اوزانی که برای نظم گردنبد شعر وضع کرده است، به رشته‌هایی تبدیل می‌شود که صدف‌های فکر و اندیشه بدان بسته می‌گردد به طور یقین آن رشته‌ها را از هم می‌گسست (موسی، ص ۴۰۱). میخائیل نعیمه نیز در کتاب *الغریبال* می‌گوید: «وزن ضروری است ولی قافیه جزء ضروریات شعر نیست؛ قافیه مانند زنجیر آهنینی است که به وسیله آن قریحه شعراء به زنجیر کشیده می‌شود» (نعیمه، ص ۸۵). ولی وی اشعاری دارد که نشان‌دهنده دخل و تصرف در بحرهای عروضی علاوه بر تنوع قافیه‌ها می‌باشد؛ مانند قصیده «من سفر الزمان»:

روحي، فكم شبت و شابت سنين
من قبل أن بانت حواشيك
و اليوم كفّ الدهر تطويك
عنا و من يدري متى تنشرين
روحي و خلتنا
بالأرض لاهينا
نرعى أمانينا
فی مرج أوهام (سراج، ص ۲۵۷)

ولی حقیقت آن است که شاعران مهجر بیشتر منادی تغییر و تحول در شعر عرب از لحاظ مفهوم و مضمون و وزن و بحرهای عروضی می‌باشند و دعوت و حرکت آنها را می‌توانیم به عنوان مقدمه و زمینه‌ای برای ظهور شعر آزاد به حساب بیاوریم؛ چون خودشان علی‌رغم دعوت به شکستن وزن و قافیه کمتر بدان مبادرت نموده‌اند.

نازک الملائکه و شعر آزاد

بیشتر صاحب‌نظران در شعر و ادب، نازک الملائکه را نخستین کسی می‌دانند که قواعد و قوانین عروض خلیل بن احمد فراهیدی را در هم شکسته است و در عروض آزاد شعر سروده است. وی خود در مقدمه دیوان شظایا و رماد دومین مجموعه شعری‌اش اظهار می‌دارد: شعر از حوادث زندگی نشأت می‌گیرد، پس نمی‌تواند قاعده معینی داشته باشد (الملائکه، شظایا و رماد، ص ۱۱۳). وی در سال ۱۹۴۷م قصیده مشهور «الکولیرا» را سرود. در این سال وبای کولرا در مصر شایع شده بود. نازک می‌گوید: از گوینده رادیو شنیدم که می‌گفت روزانه چندین نفر با این بیماری جان می‌سپارند، بعد از چند روز گوینده رادیو اعلام کرد تعداد قربانیان در مصر به ششصد تن رسیده است. من عجیب تحت تأثیر قرار گرفتم و بر آن شدم شعری بسرایم و تأسف و تأثر خودم را در آن اظهار کنم؛ ولی شعری که سرودم احساسات مرا کامل به تصویر نکشیده بود. در روز جمعه مورخه ۱۹۴۷/۱۰/۲۷م شنیدم گوینده می‌گوید، تعداد

کشته‌شدگان بیماری کولرا به دو هزار نفر در روز رسیده است. از تخرم پایین پریدم و قلم و کاغذی برداشتم و شعر مشهور «الکولیرا» را به نظم درآوردم:

سکن الليل

أصغ الي وقع صدی الأتات

فی عمق الظلمة، تحت الصمت، علی الأموات ...

مهم‌ترین چیزی که در این شعر بود این بود که احساسات مرا کامل بیان می‌کرد (الملائکه، صص ۲۵۲-۲۵۵). در نیمه دوم ماه کانون اول سال ۱۹۴۷م دیوان «أزهار ذبابة» بدر شاکر السیاب که او نیز مانند نازک الملائکه اهل عراق بود منتشر شد. در این دیوان قصیده‌ای تحت عنوان «هل كان حباً» با عروض آزاد منتشر شد و بدر نیز به این موضوع در حاشیه دیوان اشاره کرده بود. به همین دلیل است که گروهی از صاحب‌نظران بدر شاکر السیاب را پیشگام شعر آزاد می‌دانند.

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر آزاد

کوتاه و بلندی مصراع‌ها

یکی از بارزترین ویژگی‌های شعر آزاد کوتاه و بلندی طول مصراع‌ها می‌باشد. یعنی شاعر ناچار نیست شعر خود را در قالب ابیاتی با تعداد تفعیله‌های مساوی به نظم در بیاورد. بنابراین هر کجا لازم باشد، شاعر مصراع‌های شعر را کوتاه و یا برعکس بلند می‌سازد و این به مفهومی بستگی دارد که باید به نظم درآورده شود. بنابراین بنا به قول عزیرة مریدن گاهی یک بیت از نصف تفعیله می‌تواند تشکیل شده باشد و گاهی می‌تواند از چندین تفعیله تشکیل گردد (مریدن، ص ۳۰۷). اگرچه کوتاه و بلندی مصراع‌های کامل بر مبنای عروض خلیل بن احمد می‌باشد ولی همین مسأله طرفداران شیوه سنتی شعر را بر آن داشته است تا در مقابل شعر جدید بایستند و در برابر آن مقاومت کنند. به هر حال کوتاه و بلندی مصراع‌ها این امکان را برای شاعر فراهم

می‌سازد تا از آوردن مطالب و عبارتهای زاید دوری بجوید. بدین ترتیب بین شکل و مضمون اتحاد برقرار می‌گردد.

نازک الملائکه در این زمینه مثالی می‌زند تا اثبات کند در سبک و شیوه سنتی شاعر مجبور است از کلمات زاید استفاده کند:

«یداک للمس النجوم

و نسج الغيوم

یداک للظلال

و تشید بیوتها فی الرمال» (الملائکه، شظایا و رماد، صص ۱۳-۱۱)

وی در ادامه می‌گوید اگر من به شیوه سنت‌گرایان این ابیات را به نظم درمی‌آوردم باید می‌گفتم:

یداک للمس النجوم الوضاء و نسج الغمام ملء السماء

در این بیت ما کلمه «الوضاء» و «ملء السماء» را فقط به سبب تکمیل شدن وزن شعر آورده‌ایم و حتی ناچار شده‌ایم به جای کلمه زیبای «الغیوم» از «الغمام» استفاده کنیم و جالب این است که بیت مذکور را اگر در «بحر طویل» به نظم در می‌آوریم وضعیت بدتر می‌شد؛ زیرا مجبور می‌شدیم از کلمات زاید بیشتری استفاده کنیم:

«یداک للمس النجوم أو نسج غیمه یسیرها الاعصار فی کل مشرق»

هزار بار واضح است که این بیت و بیت ماقبلش ایجاز و سادگی و ظرافت ابیات اول را ندارد.

وحدت و هماهنگی ساختمان شعر آزاد

بیشتر اشعار سنتی از هماهنگی ساختاری در تمامی ابیات بی‌بهره‌اند؛ چون آنان فقط به روابط ساختاری کلمات در یک شعر فقط در محدوده بیت عادت کرده‌اند. زیرا در شعر قدیم از نظر رابطه میان کلمات، فقط در هر بیت به استقلال باید نگاه کرد. ولی شعر جدید این روابط را در طول شعر ارائه داده و بر مبنای انتظام و هماهنگی عناصر شعری، هر شعری ساختاری مخصوص به خود یافته است و این هماهنگی گاه آنقدر

دقیق است که حتی حذف یک عبارت یا مصرع به کمال آن لطمه خواهد زد و آن را ناقص نشان خواهد داد. این در صورتی است که در شعر سنتی گاهی می‌توان بیت یا ابیاتی را حذف کرد بدون اینکه به معنای اصلی لطمه‌ای وارد شود و حتی بدون اینکه خواننده متوجه گردد.

شایستگی شعر آزاد برای نقل آثار غربی

یکی دیگر از مزیت‌های برجسته شعر آزاد این است که شاعر می‌تواند آنچه را از ادبیات غربی فراگرفته به آسانی در قالب شعر آزاد ارائه دهد و به سهولت از آهنگ‌های شعر اروپایی تقلید نماید و این موجب گسترده شدن آفاق شعر جدید می‌گردد. این در حالی است که شعر جدید عرب بیش از هرچیز به آفاق گسترده نیاز دارد تا از محدودیت به در آید و از ارزش‌های فنی و تجربه‌های انسانی گوناگون که برای شعر ناآشنا می‌باشد بهره‌برد و این بدین خاطر است که شعر آزاد به دلیل آزادی فراوانی که در ساختار خود از آن برخوردار است و تنوعی که در آهنگ‌های شعری ایجاد می‌کند، برای شاعر زمینه‌ای فراهم می‌کند که شعر قدیم به دلیل محدودیت بیش از حد و نظام عروضی خاص خود نمی‌توانست این امکان را برای شاعر فراهم سازد.

آزادی تخیل

یکی دیگر از برتری‌های شعر آزاد برهم ریختن قراردادهای براساس آزادی تخیل شاعران است. برای مثال در شعر سنتی وقتی شاعر می‌خواست «چشم» و یا «زلف» را توصیف کند، به جز چندین کلمه که از قبل به صورت قراردادی مشابه به آنها شناخته شده بود، چیز دیگری در اختیار نداشت؛ ولی در شعر آزاد این‌گونه قراردادهای که نیروی تخیل واقعی شاعر را از بین می‌برد وجود ندارد و شاعر دیگر تابع قراردادهای ترکیب‌های از پیش معین شده نمی‌باشد و تشبیه‌ها و استعاره‌ها و ... را آن‌گونه که می‌خواهد به کار می‌گیرد. در این صورت هر عبارتی اثری تازه محسوب می‌شود و هر ترکیبی، نوعی ابتکار به حساب می‌آید و در مجموع هر شعری همچون مولودی جدید ساختار و هویت و ویژگی‌های مخصوص به خود را خواهد داشت.

نتیجه

شعر آزاد به عنوان یک هنر چیزی نیست که یکباره و توسط یک شخص پدید آمده باشد. بلکه روح ایجاد تغییر و تحول که همیشه در شاعران عرب وجود داشته است از یک طرف، برتری‌های موجود در این رشته از هنر از طرفی دیگر منجر به پدیدارشدن چنین هنری شده است و فرق نازک الملائکه و بدر شاکر السیاب که به عنوان پیشگامان این هنر شناخته شده‌اند با دیگران این است که اینان با آگاهی کامل در این وادی قدم برداشته‌اند و دیگران را به دنبال خود کشیده‌اند و هنری که بیش از نیم قرن ادامه یافته است این شایستگی را دارد که همّت محققان و نویسندگان را به خود جلب کند. باشد که پیوسته شاهد راه‌های نوینی برای ابراز عواطف و افکار نسل بشر باشیم.

منابع

- اسماعیل، عزالدین، فی قضايا الشعر العربي المعاصر «دراسات و شهادات»، نشر المنظمة العربية للتربية و الثقافة و العلوم، تونس، ۱۹۸۸م.
- الأصفهانی، أبو الفرج، الأغاني، نشر دار احیاء التراث، بیروت، ۱۹۹۷م.
- الخفاجی، محمد عبدالمنعم، الأدب الأندلسی «التطور و التجديد»، نشر دار الجیل، بیروت، ۱۹۹۲م.
- جبران، خلیل جبران، العواصف، نشر دار الجیل، بیروت، ۱۹۹۷م.
- الریحانی، أمین، أنتم الشعراء هتاف الأودیة بذور للزارعین، نشر دار الجیل، بیروت، ۱۹۸۹م.
- سراج، نادرة جمیل، شعراء الرابطة القلمیة، نشر دارالمعارف، مصر، ۱۹۹۷م.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، موسیقی شعر، نشر آگاه، تهران، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- الفاخوری، حنا، تاریخ ادبیات زبان عربی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، نشر توس، تهران، ۱۳۶۱ هـ.ش.
- قبّش، احمد، تاریخ الشعر العربي الحديث، چاپ اول، نشر مؤسسة النوری، دمشق، ۱۹۷۱م.
- القیروانی، ابوعلی حسن ابن رشیق، العمدة ج ۱، قاهره، ۱۹۵۵م.
- مریدن، عزیزة، حركات الشعر فی العصر الحديث، نشر الرياض، دمشق، ۱۹۷۱م.
- الملائكة، نازک، اللدیون مقدمة «شظايا و رماد»، نشر دارالعودة، بیروت، ۱۹۷۱م.
- قضايا الشعر المعاصر، نشر دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۷۴م.
- موسی، منیف، نظریة الشعر عند الشعراء النقاد فی الأدب العربي الحديث من خلیل مطران الی بدر شاکر السیاب، نشر دارالفکر اللبنانی، بیروت، ۱۹۸۴م.
- نعیمه، میخائیل، الغربال، نشر نوفل، بیروت، ۱۹۷۱م.